

راویان خطبه غدیر

طبیعت این گونه است که هر چه به سوی آینده پیش می‌رود و از گذشته دور می‌شود، از اهمیت وقایع بزرگی که از آنها گذر نموده می‌کاهد و آرام آرام از صحنه یاد و خاطره هم محو می‌گردد؛ چنانکه گویی هیچ حادثه‌ای رخ نداده. حتی بزرگ‌ترین وقایع نیز برای رسیدن به این نقطه در سیر تاریخی خود شاید در صورت مقاومت بتواند چند دهه بیشتر ماندگار باشد و در نهایت به صورت تاریخی حماسی که تنها موجب غرور دسته‌ای از مردم گردد باقی بماند.

اما ماجرای غدیر و حدیث غدیر به رغم گذشت دوران و اعصار بر آن و با طی ۱۴۰۰ سال و با وجود تلاش‌های مستمر برای سرکوبی و فراموشاندن آن و خارج کردن آن از مسیر استوار و مواضع پایدارش، به رغم آنچه پیروانش در این راه اعم از خواری و ذلت و غربت و آوارگی به جان خود خریدند، با وجود همه اینها غدیر همچنان به صورت حساس‌ترین و مهم‌ترین مسئله باقی ماند و بدین صورت غدیر بیشترین تعلق و ارتباط را با آینده بشر و اهداف وی در دنیا و آخرت پیدا کرده است.

غدیر یکی از مهم‌ترین حوادث در تاریخ اسلام بوده که نگاهبان دستاوردهای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا برپایی قیامت است.

اسنادی که به این حادثه و حدیث آن در حجه الوداع اشاره می‌کند به قدری زیاد است که هر شخص بی‌نظری نگاهی به مجموعه این اسناد و مدارک بیندازد یقین پیدا می‌کند که حدیث غدیر از قطعی‌ترین روایات اسلامی و مصداق روشنی از حدیث متواتر است که اگر کسی در تواتر آن شک کند، باید به هیچ حدیث متواتری اعتقاد نداشته باشد.

در این خصوص همان اندازه که پیشوایان حدیث اهل سنت و مؤلفان کتاب‌های صحاح و سنن، مورخان و سیره‌نویسان ایشان نوشته‌اند، کافی خواهد بود که گروهی از ایشان نص حدیث غدیر را با اسناد معتبر و به صورت مسند نقل کرده و گروهی دیگر برای رعایت اختصار یا با توجه به شهرت حدیث، اسناد آن را حذف و حدیث را به صورت مرسل نقل نموده‌اند.

حال براي اثبات اين مهم نظري همه‌جانبه به حديث غدیر مي‌افکنيم و اشخاصي را که آن را روايت کرده و متذکر شده‌اند و به درستي آن اعتماد نموده، معرفي مي‌کنيم.

راويان حديث غدیر:

علامه اميني(ره) در الغدير، ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعين و نيز به اسامي ۳۶۰ نفر از علماي اهل سنت که از ابتدای قرن دوم تا قرن ۱۴ به اين حديث اشاره کرده‌اند را نام مي‌برد{۱}

الف) راويان حديث غدیر از اهل بيت عليهم السلام

۱. اميرالمؤمنين علي عليه السلام
- علي عليه السلام بعد از وفات پيامبرصلي الله عليه وآله وسلم در هر موقعيتي که مناسب مي‌ديدند به اين حديث متذکر مي‌شدند از جمله روز شورا{۲}، روز رحبه{۳}، جنگ جمل{۴} و... .
۲. فاطمه صديقه‌عليها السلام دختر رسول خداصلي الله عليه وآله وسلم{۵}
۳. امام حسن مجتبي عليه السلام{۶}
۴. امام حسين عليه السلام{۷}

ب) راويان حديث از صحابه

۱. ابوبکر بن ابي قحافه تميمي
۲. ام سلمه همسر پيامبرصلي الله عليه وآله وسلم
۳. انس بن مالک انصاري خزرجي، خادم پيامبرصلي الله عليه وآله وسلم
۴. براء بن عازب انصاري اوسي
۵. ثابت بن وديعه انصاري
۶. جابر بن عبدالله انصاري
۷. حذيفه بن اليمان يميني

۸. حسان بن ثابت
۹. خزیمه بن ثابت انصاری ذوالشهادتین
۱۰. زید بن ارقم انصاری خزرجی
۱۱. سعد بن ابی وقاص، ابواسحاق
۱۲. سلمان فارسی ابوعبدالله
۱۳. سهیل بن سعد انصاری، خزرجی، ساعدی، ابوالعباس
۱۴. عایشه دختر ابی بکر
۱۵. عبدالله بن عباس
۱۶. عثمان بن عفان
۱۷. عمار بن یاسر عنسی، ابوالیقظان
۱۸. عمر بن خطاب {۸}
۱۹. قیس بن ثابت بن شمّاس انصاری
- و... {۹}

اسامی ۱۱۰ نفر از بزرگان صحابه نقل شده که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند؛ اما می‌توان گفت به‌طور حتم بیش از این افراد حدیث غدیر را روایت کرده‌اند؛ زیرا مطابق نقل تاریخ صد هزار یا بیشتر در سرزمین خم حاضر بوده‌اند.

حافظ سجستانی (متوفای ۴۷۷) در کتاب «الدراية في حديث الولاية» نام ۱۲۰ صحابی راوی این حدیث را آورده است {۱۰}

ج) راویان حدیث از تابعین

حدیث غدیر را ۸۴ نفر از تابعین نقل کرده‌اند؛ امثال:

- ابوسلیمان مؤذن از بزرگان تابعین

- ابوصالح سمان ذکوان مدنی (احمد بن حنبل او را «ثقه ثقه» معرفی کرده {۱۱})

- اصبغ بن نباته کوفي
- حکم بن عتبه کوفي، کندي، در حق او گفته شده «ثقه، ثبت، فقيه»
- زاذان بن عمر کندي، بزار کوفي، از بزرگان تابعين
- سليم بن قيس هلالی
- طاووس بن کيسان یماني، جندی
- عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموي
- مسلم بن صبیح همدانی، کوفي، عطار
- و دیگران.

(د) راویان حدیث غدیر از قرن دوم تا قرن چهاردهم

در قرن دوم ۵۶ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- حافظ محمد بن اسحاق مدنی (۱۵۱)

- حافظ وکیع بن جراح (۱۹۶)

در قرن سوم ۹۲ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- حافظ محمد بن اسماعیل بخاری {۱۲} (۲۵۶)

- حافظ احمد بن یحیی بلاذری {۱۳} (۲۷۹)

در قرن چهارم ۴۳ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- احمد بن شعیب نسائی در «سنن و خصائص» {۱۴} (۳۰۳)

- حافظ احمد بن علی موصلی، ابویعلی {۱۵} (۳۰۷)

- ابوالقاسم طبرانی {۱۶} (۳۶۰)

در قرن پنجم ۲۴ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- ابوبکر خطیب بغدادی {۱۷} (۴۳۶)

- حافظ حسکانی حنفی {۱۸} (۴۹۰)

در قرن ششم ۲۰ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- ابن عساکر دمشقی {۱۹}{۵۷۱}

- موفق بن احمد خوارزمی {۲۰}{۵۶۸}

در قرن هفتم ۲۱ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- فخرالدین رازی شافعی {۲۱}{۶۰۶}

- ابن اثیر جزری {۲۲}{۶۳۰}

- ابن ابی الحدید معتزلی {۲۳}{۶۵۵}

در قرن هشتم ۱۸ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- شیخ الاسلام جوینی {۲۴}{۷۲۲}

- ابن کثیر شافعی {۲۵}{۷۷۴}

و...

در قرن نهم ۱۶ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- حافظ ابی الحسن هیثمی شافعی {۲۶}{۸۷۰}

- ابن صباغ مالکی {۲۷}{۸۵۵}

و...

در قرن دهم ۱۴ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- ابن حجر هیثمی شافعی {۲۸}{۹۷۴}

- متقی هندی {۲۹}

و...

در قرن یازدهم ۱۲ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- نورالدین حلبی شافعی {۳۰}{۱۰۴۴}

- احمد بن الفضل بن محمد باکثیر المکی الشافعی (۱۰۴۷)

و....

در قرن دوازدهم ۱۳ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- ابن حمزه حرّانی {۳۱} (۱۱۲۰)

- ضیاءالدین مقبلی (۱۱۰۸)

در قرن سیزدهم ۱۲ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- شهاب الدین آلوسی {۳۲} (۱۲۷۰)

و....

در قرن چهاردهم ۱۹ نفر از علمای اهل سنت از قبیل:

- شیخ محمد عبده مصری {۳۳} (۱۳۲۳)

- سید عبدالحمید آلوسی (۱۳۲۴)

و....

منابع:

۱- الامینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

۲- ابن مغزلی، المناقب، ص ۱۱۲، ح ۱۵۵؛ ذهبی میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۴۴۱، رقم ۱۶۴۳.

۳- ابن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۷۰ و ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابن الاثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۰۷؛ ابن

ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۴ و....

۴- خوارزمی، المناقب، ص ۱۸۲، ح ۲۲۱؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۷.

۵- الامینی، الغدیر، ص ۱۲۷ به نقل از: جزری، أسنی المطالب، ص ۴۹.

۶- قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۶۹.

۷- سلیم، کتاب سلیم، ص ۳۲۱.

- ۸- حدیث او را حافظ ابن مغزلی در مناقب، ص ۲۲، ح ۳۱ و ابن کثیر دمشقی در البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۳۸۶ و ذخائر العقبی، ص ۶۷ به نقل از مسند احمد آورده است. اینان عمر را از جمله راویان حدیث غدیر به حساب آورده‌اند.
- ۹- نام همه راویان در الغدیر، ج ۱ آمده است.
- ۱۰- رضوانی، غدیرشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۹۴.
- ۱۱- ابن حنبل، العلل و معرفة الرجال، ج ۳، ص ۱۶۱، رقم ۴۷۲۳.
- ۱۲- بخاری، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۳۷۵.
- ۱۳- بلاذری، انساب الاشراف، ص ۱۰۸.
- ۱۴- نسائی، خصائص امیر المؤمنین، ص ۱۳۲_ ۱۰۴_ ۱۰۳_ ۱۰۱_ ۱۰۰_ ۹۶_ ۹۳.
- ۱۵- ابویعلی، المسند، ج ۱۱، ص ۳۰۷.
- ۱۶- طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۶۹_ ۲۷۵.
- ۱۷- بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۸۴.
- ۱۸- حسکانی حنفی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲۱۱.
- ۱۹- ابن عساکر دمشقی، ترجمه الامام علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۷۰.
- ۲۰- خوارزمی، المناقب، ص ۱۵۴، ح ۱۸۲.
- ۲۱- فخر رازی، التفسیر الكبير، ج ۱۲، ص ۴۹.
- ۲۲- ابن الاثیر، اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۶۴.
- ۲۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۳.
- ۲۴- جوینی، فرائد السمطین، باب ۱۲.
- ۲۵- ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۰۹.
- ۲۶- هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۵.
- ۲۷- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۱ ص ۲۳۵.

- ٢٨- ابن حجر هيثمي شافعي، الصواعق المحرقة، ص ٤٣.
- ٢٩- هندي، كنز العمال، ج ١٣، ص ١٥٨_ ١٥٧_ ١٣٨_ ١٣١_ ١٠٥_ ١٠٤ و ١٦٨.
- ٣٠- حلبي شافعي، السيرة الحلبية، ج ٣، ص ٢٧٤.
- ٣١- ابن حمزه حسيني، البيان و التعريف، ص ٥٩٣.
- ٣٢- الالوسي، شهاب الدين، روح المعاني، ج ٦، ص ١٩٤.
- ٣٣- رشيدرضا، المنار، ج ٦، ص ٣٨٤.

